آن‌سوی آب

اسکندر بزرگ



محمود فاضلی

■ کتاب جدید فیلیپ فریمن فرصت مجددی برای شناخت بیشتر اسکندر مقدونی است. در حالی که از جولیوس سزار پروفسور ایرلندی سوال می‌کنند رهبر بزرگ نظامی کیست، او پاسخ می‌دهد اسکندر یکی از آنهاست، اما بی‌شک اسکندر یکی از نظامیانی است که در میدان نبرد شکست نخورد و در ۳۲ سالگی فاتح سرزمین‌هایی از یونان، مصر، عراق، ایران، افغانستان و هند بود. او را باید به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رهبران نظامی در تمام دوران در نظر گرفت. نویسنده در کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه وی قادر به پیروزی در برابر تمام مشکلات و شکل دادن به جهان است. پسر شاه فیلیپ دوم، الکساندر سوم در (pella) مقدونیه و در ۳۵۶ سال قبل از میلاد به دنیا آمد و نزد ارسطو یکی از فیلسوفان بزرگ یونان تعلیم دید و بااستعداد بود. مهارت‌های سوارکاری او بعدها به او در سفرها و جنگ‌ها کمک کرد. در نوجوانی رهبری یک واحد از ارتش را بر عهده گرفت. اگرچه سلطنت و امپراتوری اسکندر زندگی کوتاهی داشت، اما اعتبار فرهنگی آن تا قرن‌ها برجا ماند. اسکندر در جنگ‌هایش با عنوان شکست‌ناپذیر موفق‌ترین فرمانده تمام‌زمان‌ها شناخته شد. او یکی از مشهورترین سمبل‌های باستان است و با توانایی‌های جنگی و پیروزی‌هایش و توسعه فرهنگ یونان در غرب و شروع تمدن هلنیک شناخته می‌شود. فیلیپ با استفاده از روش‌های دیپلماسی و نظامی بیشتر شهرها و سرزمین‌های یونان را زیر تسلط مقدونیه درآورده بود. بعد از مرگ فیلیپ، سلطنتی با قدرت و ارتشی باتجربه به اسکندر به ارث رسید. او با گرفتن فرماندهی یونان به موفقیت رسید و بااختیارات نظامی‌اش، نقشه‌های نظامی را برای توسعه‌هایی که توسط پدرش ناتمام مانده بود، ادامه داد. او به آسیای صغیر هجوم برد و جنگ‌هایی را آغاز کرد که ۱۰ سال به طول انجامید. او به سوی سوریه، مصر، ایران و باختر لشکرکشی کرد و در جنگ‌ها پیروز شد و در همین



اسکندرکبیر
فیلیپ فریمن
انتشارات سیمون و شوستر
نوبت اول: ۲۰۱۱

حال او پادشاه ایران، داریوش سوم را شکست داد و بر قلمروی پادشاهی ایران غلبه کرد. او به هند تاخت‌وتاز کرد اما سرانجام با شورش گری سربازانش مجبور به عقب‌نشینی شد. اسکندر در ۳۲۳ پیش از میلاد قبل از اینکه بتواند نقشه‌هایش را برای حمله به شبه‌جزیره عربستان عملی کند، در بابل درگذشت. در سال‌های بعد از مرگ اسکندر، جنگ‌های داخلی امپراتوری‌اش را از بین برد که نتیجه آن تشکیل چندین حکومت بود که توسط طبقه اشراف هدایت می‌شد. نویسنده همچنین ادعا می‌کند «اسکندر یکی از فرماندهان بی‌باک، بی‌نظیر و درخشان است. نه تنها در یونان متحد او بلکه دامنه قدرت او به هند نیز می‌رسد.» فریمن در کتابش استدلال می‌کند اسکندر یک مرد خشونت‌طلب بود و ده‌ها هزار نفر از غیرنظامیان را در مبارزات خود به قتل رساند. اگر اسکندر امروز زنده بود، او بی‌شک به عنوان یک جنایتکار جنگی محکوم می‌شد. از دیدگاه نویسنده «صرف‌نظر از چگونگی مشاهده تاکتیک‌های اسکندر، درخشندگی نظامی او غیرقابل انکار است. او بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان را تاسیس کرد و سکه‌ها و مجسمه‌های یونانی را به سایر کشورها به ارمغان می‌برد و یکی از ماندگارترین چهره‌ها در طول تاریخ است. وی فتوحات نظامی خود را تا امپراتوری ایران جنوب صحرای مصر و شرق دور به کوه‌های امروز پاکستان و دشت‌های هند ادامه داد. اسکندر تقریبا تمام دوران بزرگسالی خود را دور از میهن گذارند. وی و مردان جنگی‌اش کمک کردند زبان یونانی در سراسر آسیای غربی رونق یابد.» فریمن توضیح می‌دهد که «بدون اسکندر نفوذ و گسترش فرهنگ یونانی در جهان باستان و متحدکردن امپراتوری او قطعا امکان‌پذیر نبوده است.»

کتاب ما

شهریار



شهریار
نویسنده: نیکولو ماکیاولی
ترجمه: محمود محمود
چاپ اول: ۱۳۸۹
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
ناشر: انتشارات نگاه

■ ماکیاولی، چهره‌ای محوری در تاریخ اندیشه سیاسی است. شهرت اصلی او به‌عنوان مبلغ و مدافع سیاست قدرت، تا به امروز در جهان سیاست و تاریخ پابرجا مانده است. آثار سیاسی او از طرف برخی منتقدان با عنوان توجیه‌گر منافع دارندگان قدرت و توجیه استفاده از هر وسیله برای رسیدن به هدف شناسانده شده است. اما باوجود این‌گونه برداشت‌ها هنوز اندیشه‌های او روزآمد و تازه است و با گذشت نزدیک به پنج سده از دوران او، اندیشه‌های سیاسی او موردتوجه کسانی است که با سیاست درگیرند یا خود را نظریه‌پرداز سیاسی می‌دانند.

کتاب دزدی ماجرایی تکراری

این گیت لعنتی



سوگند علیخواه

کتاب‌های درسی و غیردرسی‌اش را از این دست به آن دست دیگر می‌دهد و با نیم‌نگاهی به سمت پیشخوان و نیم‌نگاه دیگر به سمت صندوق قدم از قدم برمی‌دارد به سمت قفسه‌هایی که حداقل دو یا سه نفر در حال وارسی کردن و به تعبیری گشتن به دنبال کتاب دلخواهشان هستند. نگاهی می‌اندازد به طرف راست که ظاهر طرف را وارسی کند. انگار طرف سمت راست او به دنبال نویسنده‌ای آلمانی است و دیگری در طرف چپ کتاب‌های نویسندگان وطنی را جست‌وجو می‌کند.

آرام آرام در حین جست‌وجو خم می‌شود و نگاهش روی کتاب‌های طبقه پایین قفسه می‌لغزد. آرام دستش را پیش می‌برد تا خودش را در حین جست‌وجو نشان دهد و در یک لحظه کتابی را برمی‌دارد و ابتدا هولوگرام لعنتی جیغ‌جیغو را می‌کند و بعد با سرعتی باورکردنی می‌چپاند لابه‌لای اوراقی که ظاهری شبیه به روزنامه دارند. بلند می‌شود و می‌ایستد و چرخی دیگر می‌زند و با صدایی شبیه زمزمه، ناکامی خود را در یافتن کتاب مورد نظرش به اطرافیان اعلام می‌کند: مثل اینکه نیست. بعد کافی است یک اسم کذایی از کتابی متعلق به نویسنده‌ای که موجودیت ندارد، بیاورد و از در بزند بیرون و خیره شود به کتاب و... این تصویر یا تصویرهای مشابه بارها برای من و ما با کمی شدت و قوت و سرعت‌عمل کمتر یا بیشتر اتفاق افتاده است. گاه شاهد بوده‌ایم و گاه بازیگر این صحنه غیرقابل اجتناب. اگر از دسته اول باشیم (شاهد) که دو کار بیشتر نمی‌توانیم و از دست‌مان برنمی‌آید: یا لو دادن طرف یا سکوت کردن، اما متهم به نافهمی موقعیت نامناسب مالی آن دانشجو نباشیم و به قول معروف این جملات در ذهن رژه می‌روند که: کاش همه دزدها، کتاب می‌دزدیدند یا حتما نیاز دارد و... جمله‌هایی از این دست که خودمان را هم راضی نمی‌کنند، چه برسد به دیگری! چه چیزی است که ربودن کتاب را در ذهن من و ما با هیچ نوعی از سرقت مترادف نمی‌کند؟ چرا نسبت به فردی که کتاب می‌دزدد، هیچ احساس منفی به ذهن شاهدان جرم (به قول حقوقدانان) نمی‌رسد؟ جالب است بدانید که در برخی از فروشگاه‌های بزرگ کتاب، پس از گذاشتن گیت کتاب، ناظری وجود ندارد برای جلوگیری از دزدی و فروشندگان تنها با همراهی کردن مشتری سعی دارند تا این نوع از جرم را که متاسفانه در ذهن بسیاری از مردمان این جغرافیا، فرهنگی نیز معرفی شده، کنترل کنند. زمانی که اصل ماجرا را جویا شویم که چرا این شیوه را پیش می‌گیرند، پاسخی جز این نخواهیم شنید که: هر کتابی که از فروشگاهی به سرقت برود، بخشی از قیمت آن را باید فروشنده بپردازد.

پرواز کتاب

حسن قائمی، فروشنده کتاب در فروشگاهی واقع در میدان انقلاب (که محل تجمع و تمرکز کتابفروشان و ناشران پایتخت است) می‌گوید: تقریبا این مشکل همه کتابفروشی‌هاست، به‌طوری که نام این کار را به طعنه و شوخی گذاشته‌اند پرواز کتاب!

نکته

کتابی را برمی‌دارد و ابتدا هولوگرام لعنتی جیغ‌جیغو را می‌کند و بعد با سرعتی باورکردنی می‌چپاند لابه‌لای اوراقی که ظاهری شبیه به روزنامه دارند

این اصطلاح کتاب‌هایی را شامل می‌شود که به نوعی توسط سارقان ربوده می‌شوند و گریزی هم از آن نیست. از سویی خود ناشر (در صورتی که کتابفروشی داشته باشد) تقریبا مبلغی را به صورت سالانه به این موضوع اختصاص می‌دهد و در صورت بیشتر شدن این سرقت‌ها، ناشر مجبور است فروشنده کتاب‌هایش را جریمه کند. در این حالت است که اغلب ذهن ما به سمت حواس‌پرتی فروشنده متمرکز می‌شود.

سرقت ۲۰ میلیونی

تقریبا شما هم این خبر را شنیده‌اید که فروشگاه نشر شهر توسط یک سارق هدف گرفته شده بوده و سارق گرامی که علاقه شدید و غیرقابل اجتنابی نیز به کتاب‌های نفیس داشته، چیزی حدود ۲۰ میلیون تومان از کتاب‌های نفیس این موسسه را به سرقت برده بود.

البته به هر حال این سارق در دام طمع خود افتاد و بخشی از کتاب‌های سرقت شده فروشگاه موسسه نشر شهر باز پس گردانده شد، اما واقعیت این است که چگونه می‌توان این معضل را ریشه‌کن کرد. چرا که پیش از آنکه انگیزه‌ای فرهنگی در پشت آن باشد، سارقان انگیزه اقتصادی دارند و شاید بتوان بخشی از آن کتاب‌های به‌سرقت رفته را در پاساژهایی چون پاساژ البرز یا پاساژ ایران یافت که معمولا کتابفروشان از همه‌جا بی‌خبر این دو پاساژ مورد هدف قرار می‌گیرند و با این فکر که فروشنده به مشکل مالی خورده است، سعی در خرید منصفانه این کتاب‌ها دارند، بی‌خبر از اینکه قیمت اصلی این کتاب‌ها را باید فروشنده بینوایی بدهد که متوجه زرنگ‌بازی‌های آقای سارق نبوده است.

انگیزه‌های روانی

تقریبا در ذهن همه اهالی کتاب این باور غلط جا افتاده که بخش عمده‌ای از سارقان کتاب‌ها، دانشجویان بی‌پول و علاقه‌مند به کتاب هستند که طبعا به دلیل ضیق مالی نمی‌توانند کتاب تهیه کنند. این در حالی است که فربد فدایی؛ روان‌شناس بر این مساله خرده می‌گیرد. به باور این روان‌شناس نمی‌توان با استناد به این باور غلط کار غیرفرهنگی سارقان کتاب را توجیه کرد یا توضیح داد، چراکه اساسا عوامل اقتصادی نمی‌تواند محرک مهمی برای سارق باشد. به گفته فدایی، بخش عمده‌ای از سارقان کتاب پیش از هر چیز به دنبال منافع اقتصادی این کار هستند و در کمتر مواردی می‌توان ناتوانی مالی را عامل اصلی چنین کاری دانست.

این روان‌شناس معتقد است تربیت خانوادگی صحیح هر نوع سرقتی را (اعم از فرهنگی یاغیرفرهنگی) مذموم می‌شمارد و بخش عمده‌ای از سارقان تربیت صحیحی در این مورد نداشته‌اند. او از مسایل و مشکلاتی نظیر روان‌پریشی، علاقه و وسواس به سرقت و گاه ناآرامی‌های درونی یاد می‌کند و بر این باور است که پس از مسایل اقتصادی و طمع مالی، این مسایل از جمله محرک‌های سارقان به شمار می‌آید.

جرمی با مختصات فرهنگی!

آیا سرقت کتاب، جرم است؟ پاسخ این سوال تقریبا بدیهی است. به گفته حجت‌الله مسعودی، وکیل پایه یک دادگستری بخش عمده‌ای از معضلات مربوط به سرقت کالاهای فرهنگی ناشی از نداشتن درک و دریافت صحیح از جرم فرهنگی است.

به باور این حقوقدان سرقت در نظام قضایی ایران و جهان، به‌عنوان یک جرم تعریف شده است و در این میان سرقت کتاب را نمی‌توان با استناد به فرهنگی بودن یا داشتن انگیزه‌های فرهنگی توجیه کرد یا توضیح داد.

او برای روشن‌تر شدن بحث مثالی می‌آورد: طبعا نمی‌توان با استناد به فرهنگی بودن انگیزه سارقان اشیای باستانی و میراث‌فرهنگی، ارسال و صدور آنها را به خارج از مرزهای ایران توجیه کرد. او با استناد به این موضوع، ذهن را متمرکز می‌کند به سمت مفهوم جرم که نمی‌تواند بر اساس دلایل فرهنگی یا اجتماعی تفکیک شود.

چه باید کرد؟

به‌طور حتم اگر بخواهیم برای یافتن پاسخ این پرسش راهکاری مناسب پیشنهاد کنیم نیازمند بازشناسی و بازفهمی جرم در مختصات فرهنگی آن هستیم. البته علاوه بر استمداد از یافته‌های علمی و الکترونیک امروز (مثل دوربین‌های مداربسته و گیت کتاب) می‌توان راهکاری فرهنگی نیز برای این معضل اندیشید: یک صندلی در هر فروشگاه برای مخاطبان کتاب. اما آیا همه به خاطر خواندن کتاب مورد علاقه خود آن را می‌دزدند؟

کتابفروشی‌های معتبری چون خوارزمی، امیرکبیر، نیک و... به سیستم‌های مدرن اعتماد کرده‌اند و به هولوگرامی که در کتاب می‌زنند دلخوش کرده‌اند و توجیه‌شان این است که تا خرید تایید نشود امکان خروج کتاب از کتابفروشی وجود ندارد، درحالی که این هولوگرام به راحتی آب خوردن کنده می‌شود. ای کاش...

رهیافت‌ها و راهکارهای کتابخوانی



دکتر علی پایا

مساله ترویج فرهنگ کتابخوانی در میان عامه مردم، امری نیست که صرفا برای مسوولان فرهنگی و اهالی قلم در مملکت ما به صورت موضوعی که باید برای بهبود آن کوشش کرد، مطرح باشد، این مساله حتی در کشورهای پیشرفته‌ای نظیر انگلستان که فرهنگ کتابخوانی در آنها کم و بیش نهادینه است، دایما مد نظر برنامه‌ریزان فرهنگی و دست‌اندرکاران امور آموزشی و سیاست‌گذاران و مسوولان و نیز نویسندگان و اندیشوران قرار دارد. آنچه به‌خصوص موقعیت کتاب و کتابخوانی را حتی در کشورهای پیشرفته از حیث امور فرهنگی با دشواری مواجه می‌کند، نفوذ پرقدرت رسانه‌هایی نظیر تلویزیون و سینما و فناوری‌هایی همچون اینترنت و شبکه وب و بازی‌های رایانه‌ای است که رقیب سرسختی برای رسانه کتاب به شمار می‌آیند.

در کشور ما در حدی که بتوان بر اساس ظواهری که بدون توسل به آمارگیری‌های دقیق برای هر ناظری آشکار است قضاوت کرد، می‌توان گفت که تلاش در زمینه ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی خالی از برخی دستاوردها نبوده است. شاید چشمگیرترین دستاورد در این زمینه حضور مستمر و پررنگ خانم‌ها در عرصه کتابت و نویسندگی است که طبعا باید با نوعی اقبال به کتابخوانی در میان این گروه از اعضای جامعه همراه بوده باشد.

درخصوص شیوه‌هایی که می‌توان برای کمک به بسترسازی جهت نهادینه شدن فرهنگ کتابخوانی از آنها بهره گرفت، شاید اشاره به الگوهایی که در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، خالی از فایده نباشد. در این کشورها کوشش می‌شود فرهنگ کتابخوانی از سنین پایین و در میان نوآموزان دبستانی و پیش‌دبستانی ترویج شود و در این میان کتابخانه‌های عمومی با ارایه برنامه‌های مختلف جهت تشویق این قشر از جامعه به کتابخوانی نقش مهمی ایفا می‌کنند. برگزاری جلسات قصه‌خوانی هفتگی، دعوت از نویسندگان کتاب‌های کودکان برای دیدار رودررو با کودکان و والدین آنان، تشویق والدین به‌خصوص مادران به خواندن کتاب برای کودکان کم‌سن و سال و بالاخره برگزاری مسابقاتی در زمینه کتابخوانی از جمله فعالیت‌های این کتابخانه‌های عمومی است.

در تراز خوانندگان مسن‌تر نیز فعالیت‌هایی که در سطوح مختلف فرهنگی برای جلب و تحریص این افراد به خواندن کتاب صورت می‌گیرد، از اهمیت برخوردارست. برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب با شرکت شماری از خوانندگان و حضور مولفان و نویسندگان، ارایه خلاصه‌هایی از تازه‌ترین کتاب‌ها در نشریات یا عرضه آنها در قالب برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و بالاخره برگزاری مسابقات مربوط به بهترین کتاب‌ها، از جمله دیگر اقداماتی است که در کشور خود ما نیز نمونه‌های مشابه آن کم و بیش اجرا می‌شود.

ناشران نیز در کشورهای پیشرفته سهم مهمی در ترویج فرهنگ کتابخوانی ایفا می‌کنند. این گروه نیز با برگزاری مسابقات مربوط به بهترین کتاب‌ها، دعوت از نویسندگان و اهل قلم برای دیدار و گفت‌وگو و بحث نقادانه با خوانندگان و عرضه کتاب با تخفیف‌های مخصوص به خوانندگان، می‌کوشند سهم خود را در زمینه ترویج فرهنگ کتابخوانی ایفا کنند.

نکته مهمی که درخصوص الگوی کشورهای پیشرفته در نهادینه کردن فرهنگ کتابخوانی باید مورد تاکید قرار داد، وجود نوعی هماهنگی نانوشته میان بخش‌های مختلف جامعه در این زمینه است. به بیان دیگر در این کشورها، در عین آنکه راه برای ابتکارهای شخصی و فردی باز است، بخش‌های مختلف از رادیوها و تلویزیون‌ها و رسانه‌های مکتوب اعم از روزانه و هفتگی و ماهانه گرفته تا نهادهای دولتی و تا بخش خصوصی نظیر ناشران و حتی موسسات تجاری و صاحبان سرمایه به گونه‌ای عمل می‌کنند که برآیند فعالیت آنها به شکل بردار مشخصی در راستای تشویق همگان به خواندن کتاب عمل می‌کند و چنین نیست که فعالیت این بخش‌های مختلف ناقض یکدیگر باشد.





به روایت اول شخص

زبان دینی و متن مقدس



علی طهماسبی
آیین پژوه

■ اگر بخواهم اولویت هرکدام از سه‌کتاب در دست چاپم را بنا به اهمیت آن ذکر کنم، اول کتابی است در باره حج که نگارش آن را از حدود پنج سال پیش آغاز کرده‌ام و تقریبا بیش از سه چهارم این کتاب آماده است و قسمت‌های پایانی آن مانده. این کتاب، تا اینجا که نوشته‌ام، تلفیقی است از یک سفرنامه ظاهرا معمولی با مضامین تاریخی و اسطوره‌ای حج و همچنین بازشناسی نمادهای مربوطه. این نمادها نیز از چندبخش کاملا متفاوت اما درهم تنیده تشکیل شده است. یکی نمادهای عینی و مادی، مانند خود خانه کعبه، حجرالاسود، حجر اسماعیل یا همان دامن هاجر، چاه زمزم، صفا و مروه و بسیاری نمادهای دیگر که مثلا در منا یا عرفات و مشعر هست. بخش دیگری که شاید اهمیت بیشتری دارد، مناسکی است که زایر در ارتباط با هرکدام از این نمادها انجام می‌دهد.

کتاب بعدی که از لحاظ اولویت در مرتبه دوم قرار دارد، در باره زبان دینی و متن مقدس است. این کتاب تقریبا تمام شده و تنها نیاز به یک بازنگری کلی دارد. دغدغه نوشتن این کتاب هم باز می‌گردد به حدود ۲۵سال پیش، زمانی که اولین کتاب خود را تحت عنوان: «نگاهی دیگر به مفاهیم قرآن» منتشر کردم. در این ۲۵سال به طور جدی با مسایل مربوط به زبان دینی و متن مقدس سروکار داشته و دارم و حاصل کارم این است که «زبان دینی» غیر از زبان علمی است. در این نگاه شاید بتوان گفت زبان دینی در متن مقدس، بیشتر با معیارهای زبان هنر و ادبیات سازگارتر است تا با معیارهای علمی (science). نمونه‌های آشکار نزدیک‌شدن به متن مقدس با این زبان را در آثار ادبی-عرفانی خودمان می‌توانیم مشاهده کنیم، مانند آثار عطار، مولوی، حافظ، اقبال و دیگرانی از این نحله. این رویکرد زمانی اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد که به آیات متشابهات می‌پردازیم.

کتاب دیگری که نیمه تمام مانده و در پی فرصتی برای اتمام آن هستم، درباره داستان ایوب است. منظورم داستانی است که در مجموعه عهد عتیق از کتاب مقدس آمده است و تابه حال در غرب و به‌ویژه در عالم مسیحیت، تحلیل‌ها و بازخوانی‌های متعددی از آن صورت پذیرفته است. مثلا کتاب «پاسخ به ایوب» اثر کارل گوستاو یونگ یکی از این نمونه‌ها است که به فارسی هم ترجمه شده. این کتاب را پیش از نوشتن کتاب اندوه یعقوب آغاز کرده بودم، یعنی حدود ۱۰سال پیش، اما سنگینی کار در میانه راه زمین‌گیرم کرد و گمان می‌کنم حالا اندک‌اندک آمادگی نوشتن بقیه کتاب را پیدا کرده باشم. درباره کتاب «مریم مادر کلمه» دوست دارم به این نکته اشاره کنم که طرح کلی این کتاب از درون کتابی بیرون آمد که در مورد حج می‌نویسم. یعنی در بخشی از کتاب حج که به موضوع «ولادت مجدد» و «توزایی» پرداخته‌ام به داستان مریم(س) و مسیح(ع) رسیدم.

کتاب ما

«درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس»

بیژن تلیانی

■ متن درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس از ویژگی تئوریک خاصی برخوردار است. درس‌ها آمیزه استادانه‌ای از بیان آکادمیک و بیان محاوره‌ای هستند، از زبان فیلسوفی که کار خود را کاویدن مکان اتصال مجموعه‌ای از کردارها با رژیم‌های حقیقت و آثار نگاشته‌شدن این رژیم‌ها در آرایه دانش – قدرت می‌داند. درس‌گفتار متنی است شناور و متاثر از بیرونیتی که آفرینش واژگان را مشروط می‌کند. درس‌گفتار متنی است که در «حضور» جمع تولید می‌شود و این حضور حافظ فیلسوف و نظم نحوی، دستوری و معناشناختی واژگان او را دستکاری می‌کند. جهان اثر نیز همچون جهان انسان‌ها و دولت‌ها میدان کشمکش نیروهاست. شاید درس‌گفتارهای میشل فوکو، برای نمونه، بیش از درس‌گفتارهای هگل در برلین یا



تولد زیست سیاست
«درس‌گفتارهای کلژ دوفرانس» ۱۹۷۹-۱۹۷۸
نویسنده: میشل فوکو
ترجمه: رضا نجف‌زاده
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
ناشر: نشر نی

درس‌گفتارهای هایدگر در انجمن برمن و فرایبورگ دخالت‌های ویراستارانه را ایجاب کرده است. زیست قدرت فوکویی، عبارت از سیطره قدرت بر زندگی، مقصود از زیست قدرت، دست‌یابی قدرت به انسان به منزله موجودی زنده است. به‌طوری که امر زیستی زیر کنترل دولت قرار گرفته و دست‌کم، گرایشی به کنترل دولتی امر زیستی به‌وجود آمده است. این یکی از اساسی‌ترین پدیده‌هایی است که فوکو، شکل‌هایی از آن را در قرن نوزدهم و در میان پرده‌های ظلمانی قرن طولانی بیستم، در استالینیسم و فاشیسم، می‌نمایاند. در مورد میزان وفاداری جورجو آگامین، آنتونیو نگرمی، مایکل هارت و غیره و طیف وسیعی از اندیشمندان این نسل به میشل فوکو، بر پایه درس‌گفتارهای مربوط به زیست قدرت و زیست سیاست بهتر می‌توان داوری کرد. مجموعه درس‌گفتارهای فوکو شامل حجم وسیعی از درس‌ها و سخنرانی‌هایی است که او از اوایل دهه ۱۹۷۰، از جمله در موسسه کلژ دوفرانس و دانشگاه‌ها و موسسه‌های آمریکای شمالی ارایه داده است.